



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و کتابخانه
Scientific Information Database



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۲	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۱۶
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

ارکان مسئولیت مدنی عاملان حادثه در قبال آسیب های وارده بر ماموران آتش نشان با نگاهی به حقوق آمریکا

آقای امیررضا مصحفی و آقای دکتر علی خسروی فارسانی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط کریم، ایران.

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رباط کریم، گروه حقوق خصوصی، تهران، ایران.

چکیده

موضوع مسئولیت مدنی عاملان حادثه، دربرگیرنده اختلال در نظم جامعه، نقض حقوق شهروندی و خسارات جانی و مالی است که به ماموران آتش نشان و عموم وارد می آید. لذا تحقق مسئولیت مدنی عاملین حادثه در گرو احراز ارکان آن همچون ورود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت میان آن دو است. بدون تحقق هر یک از ارکان پیش گفته نمی توان مسئولیت را بر آنان بار نمود. در فرضی که معلوم نشود از میان عاملان زیان کدام یک مستقیماً خسارت را به مامور آتش نشان وارد کرده به دلیل عدم احراز رابطه سببیت مامور مزبور از دریافت خسارت محروم خواهند ماند. لذا مقاله پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سبب مجمل در اطراف علم اجمالی میان حقوق ایران و آمریکا می پردازد. با تحلیل های صورت گرفته در حقوق ایران قاعده لاضرر و در حقوق آمریکا عدالت ترمیمی را ملاک قرار دادند تا بدین سبب ماموران آتش نشان خسارت خود را از عامل زیان مطالبه کنند. همچنین در خصوص نحوه توزیع و تقسیم مسئولیت عاملان حادثه، مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است، مسئولیت درحقوق ایران به نحو تساوی مورد پذیرش واقع شده اما در حقوق آمریکا نظریه به میزان تاثیر را ملاک قرار دادند. که با نتیجه به دست آمده می توان بیان نمود نظریه به میزان تاثیر مطابق با اصل شخصی بودن مسئولیت ها تابع عدالت و منطقی خواهد بود.

واژگان کلیدی: ارکان مسئولیت مدنی، عاملان حادثه، ماموران آتش نشان، خسارت، تقصیر

طبقه بندی: JEL، فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



The pillars of civil liability of the Damage agents for the injuries inflicted on firemen with a look at American law

Abstract

The issue of civil responsibility of the Damage agents includes the disruption of social order, the violation of civil rights, and the loss of life and money to the firemen and the public. Therefore, the realization of the civil liability of the perpetrators of the accident depends on the verification of its such as the occurrence of damage, the harmful act and the causal relationship between the two. Without fulfilling each of the aforementioned elements, responsibility cannot be imposed on them. In the event that it is not known which one of the perpetrators of the damage directly caused the damage to the fireman, due to the lack of verification of causation, the said officer will be deprived of receiving the damage. Based on this, the following article examines the general cause around the abstract science between Iranian and American laws with a descriptive-analytical method. With the analyzes in Iranian law, they set the rule of harmlessness and restorative justice in American law, so that the firemen claim their damages from the cause of the loss. Also, regarding the way of distribution and division of the responsibility of the Damage agents, the obtained results indicate that the responsibility in Iran's law is accepted equally, and in American law, the theory of impact is the criterion. With the result obtained, it can be stated that the theory is subject to justice and logic according to the principle of personal responsibility.

Keywords: pillars of civil responsibility, Damage agents, firemen, damage, fault



متن مقاله

ماموران آتش نشان وارد شده است. به تعبیر دیگر برای ما مسجل است که از میان این افراد خسارت مستقیماً به ماموران آتش نشان وارد گردیده ولی تردید داریم که آسیب وارده منتسب به کدام یک از آنان بوده است. بنابراین با بررسی های صورت گرفته در هر دو نظام حقوقی، مسئولیت مدنی در فرض سبب مجمل پذیرفته شده است که در ادامه مباحث به آن خواهیم پرداخت.

۲- ارکان مسئولیت مدنی عاملین حادثه

۲-۱- ورود ضرر

ورود ضرر یکی از ارکان تحقق مسئولیت مدنی عاملین حادثه ای است که به ماموران آتش نشان وارد شده است. از این رو ضرر چنین تعریف شده است: «ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که از مقتضی وجود آن حاصل شده است که در واقع همان عدم النفع می باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۴۱۵). برای تحقق مسئولیت مدنی و مسئول شناخته شدن عاملین حادثه و مالکان ساختمان، باید از طرف انجام دهنده ی فعل به ماموران آتش نشان ضرری بدون مجوز قانونی وارد شده باشد. برای مثال، مالک ساختمانی که ماموران آتش نشان را برای اطفای حریق فرا خوانده است، وی در حفظ و نگهداری از سگ خویش بی مبالاتی و تقصیر کند و به موجب آن به مامور آتش نشان صدمه وارد گردد.

در حقوق آمریکا مقرر می شود: «اقدامات نامشروعی که زیان زننده منجر به ورود ضرر به زیان دیده شده است، برای وی مسئولیت به همراه خواهد داشت». مانند آنکه شخصی با آتش زدن مالی به منفعتی رسد که در این حین جان دیگران به مخاطره افتد (flowers v. Rock terrace, ۱۹۸۷: ۴۴۹). بنابراین اقدام او نامشروع و غیرقانونی می باشد. پس می

در تمام نظام های حقوقی با تحقق ارکان مسئولیت مدنی، فاعل فعل زیانبار ضامن تلقی شده و جبران خسارت امکان پذیر می شود. از دیدگاه حقوقدانان ایران، برای تحقق مسئولیت مدنی عاملان حادثه وجود سه شرط همواره لازم است: ۱. ضرر. ۲. فعل زیانبار. ۳. رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که وارد شده است. این شروط را می توان شروط ثابت مسئولیت برشمرد، زیرا وجود آن ها در همه حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۳۷).

در حقوق آمریکا دو رکن مهم که شامل تقصیر و قابلیت پیش بینی ضرر است، در تحقق مسئولیت مدنی عاملان حادثه در برابر زیان دیده مورد توجه قرار گرفته است (varone, ۲۰۰۷: ۲۴۹). بنابراین زمانی که خواننده با رفتار خود اعم از فعل یا ترک فعلش، موجب ایجاد خطر قریب الوقوع و حتمی می گردد و حیات و مال خود یا دیگران را مورد تهدید قرار می دهد. تقصیر کرده و وی مسئول خواهد بود (Turpel case, ۱۹۸۵). به عبارت دیگر، مبنای تقصیر این است که فرد دقت و احتیاط لازمی را که هر انسان معقول و متعارفی در آن شرایط دارا است به کار نگیرد و در نهایت منجر به ورود صدمه دیگری گردد (Rowland v. Christian case, ۱۹۶۸: ۱۱۶). به عنوان مثال در ایالات مینه سوتا، در پرونده ای دادگاه مسئولیت مالکان ساختمان را منطبق با رفتار انسان متعارفی دانست که وی در حفظ ایمنی ساختمان خود تخطی و تقصیر کرده بود. از همین رو بیان نمود از میان عوامل متعدد، می بایست رفتار انسان متعارف را در تحقق و تعیین مسئولیت در نظر گرفته شود (peterson v. Balach case, ۱۹۷۲: ۶۴۳-۶۴۴). یزدانیان، جبلی و الشریف، ۱۳۹۹: ۷).

مسئله دیگر در خصوص سبب مجملی است که از سوی عاملان حادثه بر



آتش نشانی یک کمک و امدادرسانی فوری است که می تواند درجات متفاوتی داشته باشد. آتش نشانان در حوادثی از یک تصادف تا انفجارهای مهیب و حادثه طبیعی، حضور داشته و شرایط پیچیده و استرس زایی را مدیریت و تحمل می کنند. علاوه بر اینکه کار با آتش موجب استرس می شود، دیدن صحنه های دلخراش اعم از فوت همکاران و مصدومین که با تقصیر عامل حادثه ایجاد گردیده، آسیب جدی را می تواند به لحاظ روحی و روانی بر ماموران آتش نشان وارد سازد. در اینگونه خسارت وارده همانطور که می توان با پول در امور مادی معادلی برای مال تلف شده پیدا نمود، تامین خرسندی های معنوی هم نیز امکان خواهد داشت. هرچند این پرداخت خسارت ها قادر نیست اندوه و تاثیر عواطف آنان را از بین ببرد، اما همین اندازه که بتواند آلام روحی ماموران آتش نشان را تسکین دهد کفایت خواهد کرد. بنابراین هدف از جبران این دسته از خسارت ها، تسکین حزن و تامین شادمانی ماموران آتش نشان است.

۲-۱-۳_ ضرر جسمانی

ضرر جسمی آن است که هر نوع نقص و ایرادی را بر تمامیت جسمی فرد زیان دیده وارد شود. ضرر جسمی مختص شخص حقیقی است، زیرا شخص حقوقی که هویت واقعی ندارد و وجود آن اعتباری است، لذا ضرر جسمی وارده بر آنان موضوعاً منتفی است (باریکلو، ۱۳۹۴: ۱۶). آسیب بدنی وارد به جسم انسان ممکن است عواقب مالی یا معنوی داشته باشد. به عبارت دیگر ضرر بدنی گاهی هزینه های مالی مانند هزینه معالجه را در بر می گیرد، گاهی نیز تنها به صورت درد و رنج نمایان می شود و گاهی ممکن است ترکیبی از هر دو آسیب مادی و معنوی باشد، چرا که ماموران آتش نشان به اقتضای شغل شان ترکیب از هر دو صدمه را تجربه

توان بیان نمود که وارد کردن ضرر نخستین و مهمترین رکن مسئولیت مدنی است. ضرر وارده ناشی از عاملین حادثه را می توان به سه نوع ضرر مادی، معنوی و جسمانی تقسیم بندی نمود.

۲-۱-۱_ ضرر مادی

منظور از ضرر مادی، خسارتی است که به منافع و عین و اموال وارد می شود. به تعبیر دیگر خسارتی که قابل تقویم به پول است، خسارت مادی نامیده می شود (ره پیک، ۱۳۸۸: ۴۸). برای مثال، شخصی که به دلیل نا امن کردن جامعه و اجازه ندادن خدمات امدادرسانی برای اطفای حریق، خودرو آتش نشانی را با مواد احتراق زا (کوکتل موتولوف) آتش زده و یا لاستیک آن را پنجر کند. یا آنکه دزدی با دیدن تجهیزات آتش نشانی از جمله تبر، ابزار قفل شکن و... در نبود ماموران آتش نشان یا در فرصت مناسب آن وسایل را بدزدد. بنابراین این اشخاص پدید آورندگان ضرر مادی هستند و خسارت آنان قابل تقویم به پول است.

۲-۱-۲_ ضرر معنوی

متحمل شدن زیان در قوانین جاری منحصر به مواردی نیست که شخص منفعت مادی یا مالی را از دست بدهد. انسان ها نیز در برابر آسیب های روحی آسیب پذیر هستند، آسیب هایی که قابل مشاهده نیستند اما از درون به او لطمه وارد می کند. ضررهای عاطفی را نمی توان با پول جایگزین کرد. به همین دلیل گروهی آن را غیر قابل جبران و عاری از ضررهای مادی می دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۴۲). لیکن می بایست به این قضیه با انعطاف بیشتری نگاه شود.

بر همین اساس حرفه آتش نشانان را می توان اینگونه توصیف کرد: شغل



که مالکش در نگهداری او کوتاهی ورزیده است. ضرری که بر ماموران آتش نشان وارد آمده از دید عرف و نظر قانون مسلم واقع گردیده (ماده ۵ ق.م.م).

دومین شرط آن است که ضرر مستقیم باشد. در فرض پژوهش ما، ضرر وارد آمده هم به صورت مستقیم (اتلاف) و هم به صورت غیر مستقیم (تسبیب) به ماموران آتش نشان وارد می شود. برای روشن شدن این موضوع مثالی می زنیم؛ فرض کنید شخصی با مواد احتراق زا و شی خطرناک ماموران آتش نشان را مستقیماً مورد آسیب قرار دهند، در خسارات بالتسبیب که همواره مع الواسطه منجر به آسیب مامور آتش نشان می شود، مانند آنکه شخصی نکات ایمنی را رعایت نکند و کابل برق را در خیابان رها سازد، آسیبی که ممکن است در حین امداد رسانی بر مامور آتش نشان وارد شود مع الواسطه توسط آن شی خطرناکی بوده که فرد مقصر آن را با بی مبالاتی خود در خیابان رها کرده است.

دکتر کاتوزیان بیان می کنند که منظور از ضرر مستقیم این نیست که علل های دیگری در ورود ضرر دخالت نداشته باشد. « چنانکه شرایط دیگری که آن زیان را به وجود آورده می بایست به یک علت منتسب شود که فرد خاطی در رفتار خود احتیاط را رعایت نکرده است.»

برای مثال فرض کنید ماموران آتش نشان مشغول به اطفای حریق می باشند، عابری سیگار خود را در نزدیکی چاه رها می سازد، حال اگر با وزیدن باد، این سیگار به داخل چاه هدایت شده و باعث انفجار شود، جان و سلامتی ماموران آتش نشان به خطر خواهد افتاد. و یا اینکه با احتکار کردن مواد محترقه در ساختمان به موجب فرا رسیدن ایام چهارشنبه سوری، گرما (علت دیگر) باعث انفجار محموله ها شده و به تبع آن عموم و ماموران آتش نشان که برای امداد رسانی حاضر گردیدند برآنان صدمه و خسارت وارد آید.

می کنند.

بنابراین ضررهای جسمی و معنوی وارده بر ماموران آتش نشان را می توان اینگونه بیان نمود:

آتش نشانان می توانند به دلیل قرار گرفتن در معرض حوادث و شرایط ناخوشایند، PTSD شوند و اختلال پس از سانحه را تجربه کنند. این افراد معمولاً استرس و اضطراب بیشتری را نسبت به سایر مشاغل تجربه می کنند و باید به این امر دقت شود که هر چه استرس شغلی بالاتر باشد، افسردگی افزایش پیدا خواهد کرد و بیماری جسمانی و ضرر وارده بر آنان نیز بیشتر پدیدار خواهد شد. لذا این صدمات بیش تر درونی بوده و فرد را مورد حمله پانیک قرار می دهد. علاوه بر این صدمات، آسیب های دیگری که ماموران آتش نشان را تحت تاثیر مضاعفی قرار می دهد و در آینده می تواند سلامتی آنان را تحت شعاع قرار دهد بیماری هایی از جمله، سرطان ریه، بیماری قلبی و بیماری کلیوی و... خواهد بود.

همچنین علاوه بر پیامدهای ذاتی که در حرفه آتش نشان وجود دارد و به موجب آن بر ماموران آسیب وارد می آید. می تواند صدمه های دیگری، به صورت عامدانه و یا از روی بی احتیاطی عاملان حادثه یا مالکان ساختمان بر آنان وارد شود. مانند آنکه مالک ساختمان، ماموران را از خطرهای احتمالی از پیش موجود، آگاه نسازد و به واسطه آن مامورین آسیب ببینند.

با این وجود برای اینکه ضرر توسط ماموران آتش نشان قابل مطالبه باشد، نیازمند یک سری از شروط است.

اولین شرط آن است که ضرر مسلم باشد. باتوجه به مباحثی که در فوق ذکر شد، ضرر وارد آمده به ماموران آتش نشان مسلم واقع گردیده است. به عنوان مثال؛ فرض کنید مامور آتش نشان که برای بررسی نشت گاز ساختمان فراخوانده شده است، توسط حیوان ساختمانی آسیب ببیند



خاصی از سوی سازمان آتش نشانی هستند به همین سبب، اگر صدمه ای در هنگام امدادرسانی متوجه آنان شود، دیگر نیازی به پرداخت مجدد خسارت از سوی عامل زیان ولو در فرض تقصیرشان نخواهند داشت. و آنان نمی توانند از مقصر حادثه مجدداً خسارت دریافت کنند (Berry, ۲۰۰۷: ۱۷۳). اما به سبب نقدهای وارده بر این استدلال که با نادیده گرفتن حق جبران زیان های وارده بر امدادگر که خدمات عمومی قابل توجهی انجام می دهد، این نظر نقض گردیده است (palumbo, ۱۹۸۷: ۱۲۳، مهدیه صادقی، ۱۳۹۹: ۹).

زیرا مقصران حادثه با افعال تقصیر آمیزشان نه تنها سلامتی ماموران آتش نشان، بلکه آرامش و امنیت کل جامعه را به مخاطره افکنده و این جزء ضرر و زیان هیچگونه منفعت و دستاوردی برای اجتماع در پی نخواهد داشت.

۲-۲ فعل زیان بار

یکی دیگر از شرایط مسئولیت مدنی عاملان حادثه در قبال ماموران آتش نشان، احراز رکن دوم مسئولیت مدنی یعنی فعل زیان بار است. ارتکاب فعل زیان آور زمانی برای مرتکب آن، مسئولیت مدنی ایجاد می کند که ضرر ایجاد شده عرفاً معلول آن باشد. بنابراین، تا زمانی که انسان عمل مجرمانه ای (اعم از مثبت یا منفی) مرتکب نشده باشد، نمی تواند برای آن خسارت تقاضای جبران کند (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۱۲۵). به تعبیر دیگر در هر کاری که ضرر به دیگران وارد می شود مسئولیت مدنی ایجاد نمی کند. بلکه آن عمل زیان باید نامشروع باشد و از فعل یا ترک فعل عامل حادثه، باعث وقوع حادثه و خسارت علیه ماموران آتش نشان شده باشد. به موجب نظریه نجات در حقوق آمریکا، اگر شخصی که تعهد به تکلیف مراقبت داشته است آن تعهد را نقض کند، وی مرتکب تقصیر شده و

بنابراین، کافی است که میان فعل شخص و ضرر وارده رابطه سببیت معرفی و احراز شود، ولو اینکه عامل های دیگری زمینه ضرر را فراهم کرده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۵۰).

در حقوق آمریکا معیار قابلیت پیش بینی بودن را هم در صدمات مستقیم و هم غیرمستقیم مورد ملاحظه قرار داده اند، و استدلالشان آن است که خسارت وارده برای فرد خاطی قابل پیش بینی بوده است لیکن اقدام به رفتاری خطرناک کرده است (In the supreme court of state of kansas, ۲۰۱۷: ۶).

سومین شرط آن است که ضرر جبران نشده باشد، بنابراین زمانی که خسارات وارده جبران گردد زیان دیده دیگر حق مراجعه به فاعل زیان را نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۵۳). این بحث در دو مورد مطرح است: ۱. جایی که چند نفر در مقابل مامور آتش نشان مسئولیت جمعی و تضامنی دارند، چنانچه ماموران آتش نشان با مراجعه به یکی از آن ها غرامت را دریافت کند حق مراجعه به سایرین را نخواهند داشت.

۲. مورد دیگر جایی است که ترمیم خسارت توسط بیمه صورت می گیرد، در این جا این سؤال مطرح است که آیا ماموران آتش نشان به رغم دریافت خسارت از بیمه حوادث همگانی، باز حق مراجعه به فاعل زیان را دارند یا خیر؟ در ایران برخی معتقدند که با توجه به ماده ۳۱ ق.ب.مصوب ۱۳۱۶ زیان دیده بعد از اخذ خسارت از بیمه حق مراجعه به عامل زیان را ندارد و شرکت بیمه قائم مقام او خواهد بود (لنگرودی، ۱۳۷۳: ۳۰۹). بنابراین این افراد معتقدند که چون ماموران آتش نشان خسارت خود را از بیمه حوادث همگانی دریافت می کنند دیگر حق رجوع به عامل زیان را نخواهند داشت.

طرفداران قاعده آتش نشان در ایالات متحده آمریکا، استدلالشان آن است چون ماموران آتش نشان این کشور، تحت پوشش بیمه معالجه و پاداش



ضرر و زیان دیگری شود. به عنوان مثال فرض کنید، مالکی که از وضعیت موجود در ملک و خطرهای پنهانی موجود در آن آگاهی داشته ولی نسبت به رفع آن اقدام نکند، مانند آنکه او از سست بودن طناب آسانسور آگاهی داشته لیکن در اولین فرصت اقدام به تعویض طناب یا سرویس دهی آن نکند، و یا در این مورد، قبل از ورود ماموران آتش نشان هشدارهای لازم را به آنان ندهد، بنابراین وی به دلیل ترک فعلی که انجام داده است منجر به آسیب مامور آتش نشان شده و او مسئول خسارات وارده خواهد بود.

۲-۲-۲ فعل زیان بار بی واسطه و فعل زیان بار با واسطه

لازم است برای تحقق مسئولیت، فعل زیان باری صورت پذیرد. پس زمانی که شخصی مرتکب فعلی زبانی می شود که به دیگری آسیب می رسد زیان زننده مسئول است. در افعال زیان بار با واسطه، شخص به صورت مستقیم خسارت وارد نمی کند بلکه به صورت غیر مستقیم و مع الواسطه منجر به ایجاد خسارت می گردد، برای مثال فرض کنید؛ مامور آتش نشانی که برای اطفای حریق در محل حادثه حاضر گردیده، توسط یک گلدانی که مالک با بی احتیاطی خود آن را در لبه بالکن قرار داده، باعث آسیب بر سر مامور آتش نشان شود. بنابراین خسارت مع الواسطه توسط گلدانی بوده که مالک ساختمان با بی مبالاتی خود در عدم رعایت به نکات ایمنی منجر به آسیب مامور آتش نشان شده است.

در حقوق آمریکا به موجب نظریه نجات، آسیب به صورت مستقیم فعل زیان باری است که از سوی خواننده بدون گسستن با عامل مداخله موثر، مستقیماً و واقعی وارد شده است (In the supreme court of the state of kansas, ۲۰۱۷:۶).

به عنوان مثال، همانگونه که پیش تر گفته شد، اشخاصی با اشیاء احتراق

مسئول نقصان و خسارتی می باشد که دیگران را برای نجات وی به مخاطره انداخته و در نهایت باعث صدمه بر امدادگر شده است، چرا که تعهد به مراقبت، تعهد حقوقی برای اعمال مراقبت معقول و متعارف انسان ها جهت احتراز از بروز خسارت است (Garner, ۱۹۹۰: ۵۸۰) که او با ترک فعل خود از مراقبت، آن تکلیف را نقض کرده است و در نهایت منجر به آسیب ماموران آتش نشان و عموم شده است. یا فردی که با ارتکاب فعل آتش سوزی سبب می گردد ماموران آتش نشان در هنگام امداد رسانی آسیبی ببیند که از فعل زیان بار عامل حادثه ایجاد شده است (flowers v. Rock creek tarrece case, ۱۹۸۷:۴۴۹).

بر همین اساس افعال زیان بار مثبت و منفی عاملین حادثه را که منجر به آسیب ماموران آتش نشان می شود، مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۲-۱ فعل زیان بار مثبت و منفی

فعل زیانبار می تواند مثبت یا منفی باشد. مقصود از فعل زیانبار مثبت آن است که شخصی با انجام عملی مثبت، زبانی به دیگری وارد سازد و مقصود از فعل زیانبار منفی آن است که وی، به سبب ترک فعلی که بر عهده داشته است باعث خسارت به دیگری شود.

نکته دیگر آن است که از بین بردن مال دیگری، همیشه با انجام فعل زیانبار مثبت تحقق می یابد. بنابراین در تمام مواردی که زیان زننده به موجب اتلاف (بالمباشره) مال دیگری را از بین برده است، خواهان یا زیان دیده باید فعل زیانبار مثبت از سوی خواننده را به اثبات برساند. چون که از بین بردن مال دیگری تنها با انجام فعل زیانبار مثبت امکان پذیر است. ولی اگر مسئولیت خواننده به صورت تسبیب ذکر شده باشد، فعل زیانبار می تواند مثبت یا منفی باشد. یعنی خواننده ی دعوا، ممکن است به واسطه انجام فعلی مثبت یا به سبب ترک فعلی که بر عهده داشته است باعث



۱۳۹۹: ۱۲). زیرا رابطه عرفی که میان تقصیر و خسارتی که به موجب آن به بار آمده است وجود دارد، برهمین اساس نمی توان مالک را از مسئولیت معاف کرد چون که این امر برای مالک قابل پیش بینی بوده است لیکن از آن تخطی و تقصیر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۱).

حال اگر از میان چند سبب، تردید کنیم که کدام یک از آنان مباشرتا به ماموران آتش نشان خسارت وارد کرده اند، خسارات وارده متوجه کدام یک از آنان خواهد بود؟ به عبارت دیگر رابطه سببیت میان فعل زیان بار و ضرر وارده محرز است و یقین داریم که خسارت واقع گردیده است، اما اجمال داریم که چه شخصی مستقیما خسارت را وارد کرده است (مشکینی، ۱۳۷۱: ۲۲۴). مانند آنکه ماموران آتش نشان در جریان اطفای حریق ساختمان، گروهی با پرتاب کردن سنگ به طرف آنان یا مواد احتراق زا حریق را شعله ور ساخته و این امر منجر به آسیب ماموران آتش نشان شود.

یا آنکه ماموران آتش نشان به اقتضای شغلشان، عوارضی زیادی را از کار کردن در محیط های آلوده از جمله تماس پیدا کردن با مواد شیمیایی مانند؛ دریافت پرتوهای یونساز و تشعشعات رادیو

اکتیویته و... قرار می گیرند. لذا به دلیل زمان های متفاوت و قرار گرفتن آنان در محیط های خطرناک این چینی که عاملان حادثه با تقصیر خود در ایجاد آن مدخلیت داشته است، باعث ابتلا ماموران آتش نشان به سرطان می شود. بنابراین محرز است که فعل زیان بار و ورود ضرری صورت گرفته است، لکن سبب ضرر و تلف مجهول و نامعلوم است. در این مورد عدالت اقتضا می کند که خسارت وارده به نحوی جبران پذیرد. اما قبل از آن که به جبران خسارات عاملین حادثه بپردازیم، ممکن است این ایراد مطرح شود که در صورت علم اجمالی سبب، به دلیل اینکه نمی توان علت واقعی را از میان اشخاص متعدد تشخیص داد و نمی توان بر اساس

زا و یا سنگ، خودرو آتش نشانی و ماموران داخل در آن را مورد هدف قرار دهند، خساراتی که به ماموران آتش نشانان وارد شده به صورت مستقیم از جانب عاملان زیان بوده است و آنان نیز در برابر مامورین آتش نشان مسئول خواهند بود.

۲-۳_ رابطه سببیت

رکن نهایی و مهم در تحقق مسئولیت عاملان حادثه احراز رابطه سببیت است. برای آنکه بتوان مسئولیت عاملان حادثه را تبیین نمود می بایست رابطه سببیت میان خسارت وارده و فاعل فعل زیان محرز شود تا ضمان متوجه فرد خاطی شده و وی محکوم به جبران خسارت گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۳۹). بنابراین احراز رابطه سببیت در خصوص خسارات مستقیم و بدون واسطه به راحتی امکان پذیر است، اما در خصوص خسارات بالتسبیب ممکن است با مشکل روبرو شویم. در ایالات متحده آمریکا که دارای نظام کامن لا است مبنای اکثر دعوای جبران خسارت (Tort Negligence) است که یکی از سبب های اقامه دعوا می باشد، این عنوان زمانی تحقق می یابد که شخص دقت و احتیاط لازمی را که هر فرد معقول و متعارفی در آن شرایط دارا می باشد به کار نگیرد و در نتیجه با ترک فعل خود باعث صدمه دیگری شود (Varone, ۲۰۰۷: ۲۴۸). همچنین این ایالات در سبب های با واسطه معیارهایی را نیز بیان کرده است که مهمترین آن، می توان به معیار قابلیت پیش بینی ضرر توسط خواننده اشاره کرد، و قائل بر آن بود که اگر مالک از خطرات پنهانی از پیش موجود آگاهی داشته ولی نسبت به آن خطرات، ماموران آتش نشان را مطلع نسازد و هشدارهای لازم و موثر را در این خصوص به آنان ندهد، وی مرتکب تقصیر شده و مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود (Flowers V. Rock creek Terrace, ۱۹۸۷: ۴۴۸)، مهدیه صادقی،



موجب حکم به عدم مسئولیت نمی گردد. همچنین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر می دارد که «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر یک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.» به علاوه در تایید این دیدگاه، می توان به قاعده لاضرر استناد کرد. طبق این قاعده که هر حکم ضرری را حتی اگر ظاهراً شرعی باشد، غیر شرعی می داند و وجود حکم ضرری در شرع را نفی می کنند. نمی توان عدم مسئولیت اشخاص موضوع علم اجمالی را پذیرفت. به عبارت دیگر با وجود محرز بودن ورود ضرر به خواهان و مسلم بودن تقصیر خوانده و علم اجمالی به سببیت وی، حکم به عدم جبران خسارت از خواهان به دلیل نبود علم تفصیلی به سببیت خوانده، حکمی ضرری است که شرعاً نفی شده است. شایان ذکر است که استدلال در رد دیدگاه عدم مسئولیت در موارد اجمال سبب، با توسل به قاعده لاضرر بر اساس نظر فقهایی که مدلول قاعده لاضرر را نهی از ضرر زدن به دیگری تلقی کرده اند (شریعت اصفهانی، ۱۴۰۷: ۲۵).

بنابراین مشخص می شود که هم در حقوق آمریکا و هم در حقوق ایران، ضرری که از جانب فرد مقصر وارد گردیده است باید جبران شود و در اسباب مجمل تردیدی نیست که ضرر به نحوی جبران بپذیرد. اما سوال بعدی آن است، این ضرر را چگونه می توان میان عاملان حادثه تقسیم نمود. از همین رو به بررسی نحوه توزیع مسئولیت عاملان حادثه در قبال مأموران آتش نشان با عنایت به حقوق ایران و آمریکا خواهیم پرداخت.

۳- نحوه توزیع و تقسیم مسئولیت عاملان حادثه

مسئله دیگر آن است که چگونه می توان مسئولیت را میان عاملان حادثه تقسیم و توزیع نمود؟ در ایالات متحده آمریکا رویه محاکم بر آن است که

حدس و گمان حکم به محکومیت هیچ کس صادر نمود و از سویی، ارکان مسئولیت مدنی و از جمله رابطه سببیت نیز باید محرز باشد، لذا هیچ یک از اشخاص مورد تردید در قبال مأموران آتش نشان مسئول نخواهند بود. در پاسخ به این ایرادات و ابهامات باید گفت که اولاً امروزه همه سیستم های اروپایی در باب رابطه سببیت پذیرفته اند که رفتار موجب مسئولیت مدنی باید به صورتی باشد که اگر چنین رفتاری واقع نمی شد خسارتی پدید نمی آمد. به عنوان نمونه، اصل ۱۰۱: ۳ از اصول اروپایی مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «یک فعالیت یا رفتار، سبب خسارت متضرر محسوب می شود اگر در حالت فقدان آن فعالیت خسارتی وارد نمی شد». این معنی در اصول اروپایی مسئولیت مدنی با تجدیدنظر اصلاح سوم شرح جدید حقوق آمریکا هماهنگ شد (قوچانی و حسینی، ۱۳۹۳: ۶).

بنابراین در حقوق آمریکا، عدالت ترمیمی را ملاک قرار داده اند، به زعم «کلمن» که بیان می کند، «عدالت ترمیمی تاب این تحول را دارد که مشارکت در کار خطا آمیز، جانشین لزوم رابطه سببیت شود و گروه خطا کاران که اجمالاً در سبب بودنشان تردیدی نیست، مسبب تلقی شوند و خسارت میان خود آنان به نسبت مشارکتشان در ایجاد خطر تقسیم گردد و البته بر اصول مسئولیت مدنی خللی وارد نیاد» (Coleman, ۱۹۹۲: ۴۰۴). به باور ایشان، اولاً اخلاق مقتضی این مسئولیت است، مبانی مستقل، اخلاقی و در عین حال مجبور کننده ای وجود دارد که حتی به هنگام نبود سببیت، ما را بر توضیح خسارت سوق می دهد. ثانیاً در حقوق ایران نیز اگرچه رویه قضایی در این خصوص شکل نگرفته است، اما پاسخ به این پرسش چندان دشوار نیست. در واقع علم اجمالی، ماهیتاً علم است و نه شک و مسئول دانستن متعلق علم اجمالی مبتنی بر حدس نمی باشد. از همین رو در فقه بر منجز بودن علم اجمالی تاکید شده است (آخوند خراسانی، بی تا: ۲۷۲). بر همین اساس در حقوق ایران، اجمال سبب



منفجر شده و مامور مزبور آسیب ببیند و یا عضو از بدن او قطع شود. براساس این نظریه هریک مسئول پرداخت نصف دیه به آتش نشان می باشد (محمدبن جمال الدین مکی عاملی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). ماده ۵۳۳ ق.م.ا. بیان می کند که «هرگاه دو یا چند نفر سبب وقوع جنایت یا خسارت شوند، همگی به طور مساوی ضامن می باشند». در رای وحدت رویه شماره ۷۹۹_۱۳۹۹/۷/۱۵ هیات عمومی عالی کشور نیز بر بقای این اصل در حقوق ایران، پس از اصلاح قانون مجازات اسلامی صحه نهاد و آن را پذیرفت.

این آرای وحدت رویه و مقررات مذکور، اصل تساوی را در حقوق ما تثبیت کرده است و از همین رو باید در موارد اجمال سبب نیز به این اصل مراجعه شود. ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این مورد بیان می دارد که هرگاه در اثر رفتاری، عده ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه آن ها می بایست دیه نفس یا دیه صدمات را به طور مساوی پرداخت کنند. اگرچه موضوع این ماده علم اجمالی به سبب جنایت در مورد پرداخت دیه است، اما مسئولیت نسبت به پرداخت دیه، ویژگی خاصی نسبت به دیگر مسئولیت های مرتبط به پرداخت خسارت ندارد که قاعده مندرج در آن را مختص دیه جنایت بدانیم بلکه در واقع این ماده بیان گر یکی از مصداق های اجمال سبب است.

بنابراین در حقوق ایران به دلیل سهولت رسیدگی دادگاه و اعمال عدالت نوعی، نظریه تقسیم مساوی مسئولیت از گذشته طرفداران زیادی داشته و سابقه آن بیشتر از نظریه های دیگر است.

نکته حائز اهمیت آن است که، خوبی این معیار سهولت در تقسیم و توزیع مسئولیت است؛ اما معایب آن دیدگاه یکسانی است که نسبت به تمام مسبب ها صورت می پذیرد. در صورتی که یکسان نگاشتن دو نفر که یکی

مسئولیت عاملان زیان را بر اساس میزان تقصیر و تاثیر هر یک از عاملان که در ایجاد حادثه مدخلیت داشته اند تقسیم شود. در این کشور این تقسیم را به غیر محصور بودن گروه، متمایز نموده اند ((porat and Stein, ۲۰۰۱, p. ۱۳۵

در حقوق ایران، به این نوع تقسیم مسئولیت پرداخته نشده است و توزیع مسئولیت عاملان زیان را به صورت تساوی مورد پذیرش قراردادند. با عنایت به مواد (۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹) قانون م.ا. می توان به مصادیقی از سبب مجمل اشاره نمود و تساوی را در قانون ایران معیار قرارداد. به اعتقاد برخی از حقوق دانان که بیان می کنند در فرض تعدد اسباب، مسئولیت باید به نسبت سهمی که هریک از عاملان حادثه در ایجاد آن دخیل بوده اند تقسیم گردد (صفایی، ۱۳۵۱: ۵۶۸). چون فرض بر این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان می باشد، نباید این مسئولیت مشترک را تجزیه نمود. از طرفی نظریه مزبور از این جهت که ضمان دو طرف را به طور قاطع تعیین می کند و به نظر قاضی واگذار نمی کند و مسئولیت مدنی را مجازات تقصیر نمی داند با فقه اسلامی نیز سازگار می باشد. در علم اجمالی نیز قاعده کلی تقسیم به تساوی مسئولیت بین اطراف علم اجمالی است و قواعد دیگر جنبه استثنایی دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). از نظر فقهی نیز، هر زمان دو یا چند نفر اقدام مشترکی انجام دهند به عنوان مثال چند نفر مواد و یا شی خطرناک و منفجره را در محلی قرار دهند ضمان برعهده همه آنان است و ظاهر این است که مسئولیت آن ها بالسویه است هرچند هریک از آنان، از نظر قدرت و تاثیر پذیری با یکدیگر تفاوت داشته باشند (موسوی خمینی، بی تا، ۵۶۹). مانند آنکه در ایام چهارشنبه سوری، دونفری که در ساختمان به احتکار مواد محترقه پرداخته بودند با حاضر شدن ماموران آتش نشان، یکی از این محموله ها



اساس عدالت ترمیمی که دنباله رو عدالت است، ضرر مازاد را بر عهده فرد مقصر متحمل می سازد. بر همین اساس می بایست در توزیع مسئولیت میان عوامل متعدد از معیار تاثیر و مقدار ضرر استفاده نمود.

به موجب این معیار در فرضی که دو یا چند عامل در تحقق زیان نقش داشته باشند، بعد از شناسایی عوامل مزبور و احراز سببیت آنان، توزیع خسارت را به میزان تاثیر هر کدام از عاملان حادثه که در زیان وارده بر ماموران آتش نشان دخالت و تقصیر داشتند تقسیم می شود. چرا که این امر از لحاظ نظری امری منطقی و عادلانه است. زیرا در مشخص نمودن سهم هریک از عاملان، ماهیت رفتار و مسئولیت آنان و نیز رابطه سببی میان رفتار و زیان قابل مطالبه در نظر گرفته می شود (۲۰۰۹، k.Dewolf: ۵-۶، ۶۲: Michael, ۲۰۱۶). به عبارت دیگر هر عامل حادثه به میزان سببی که در زیان وارده نقش داشته است مسئولیت خواهد داشت نه کمتر و نه بیشتر از آن، بنابراین این نظریه همسو با اصول قانونی از جمله اصل نسبی بودن خسارت و مجازات است (دالوند، ۱۳۸۶: ۱۰۳؛ مددی، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

نکته ای که در ارزیابی میزان تاثیر هریک از مسئولان حادثه وجود دارد آن است که تمام اوضاع و احوال حاکم بر دخالت آن ها از قبیل موضوع خسارت و زمان و مکان و سایر شرایط باید در نظر گرفته شود. همچنین معیار تقسیم مسئولیت به میزان تقصیر به فاکتورهای حسی و ذهنی مسئولان مانند؛ عمد و قصد، بی احتیاطی و قابلیت پیش بینی توجه می شود (دالوند، ۱۳۸۶: ۷۶).

البته برخی معتقدند که با تفکیک نمودن هر مسئولی از دیگری به نتیجه نامعقول منتهی می شود.

مثلا اگر در بین مسئولان میزان تاثیر دو یا چند نفر بیش از پنجاه درصد باشد و هر کدام به همان میزان مسئول پرداخت خسارت باشند، مسئولیت

از آنان مرتکب تقصیری سنگین شده و دیگری مرتکب تقصیر قابل اغماضی شده است، چندان قابل توجیه نیست، لذا در این نوع تقسیم با دو مشکل رو به رو می شویم: نخست آنکه آن سببی که تاثیرش در وقوع زیان کمتر از دیگران بوده، قسمتی از بار مسئولیت دیگران بر دوش آن شخص گذاشته می شود و این خلاف شخصی بودن مسئولیت هاست. دوم آنکه، سببی که تاثیرش در وقوع خسارت بیشتر از بقیه بود، به ناحق و بدون دلیل از قسمتی که ضمان ناشی از رفتار و عمل خود بوده معاف می شود بنابراین این معیار توزیع دور از عدالت و انصاف خواهد بود.

به عنوان مثال فرض کنید که عاملان حادثه ای دست به تخریب و خسارت زده و یکی از آنان مسیر را مسدود ساخته تا آتش نشانان نتوانند به محلی که آتش سوزی گزارش شده است به اطفای آن بپردازند، فرد دیگری با شی خطرناک خودرو و ماموران آتش نشان را مورد هدف قرار می دهد و در نهایت منجر به آسیب ماموران می شود. خساراتی که از سوی هریک از عاملان حادثه ایجاد شده به میزان تقصیر و دخالت هر کدام از آنان با یکدیگر متفاوت خواهد بود، زیرا آن فردی که مستقیما باعث آسیب به ماموران آتش نشان شده، با فردی که تنها مسیر را مسدود ساخته بود، مسئولیتشان یکسان نخواهد بود. پس از این حیث نباید حکم به صورت تساوی آنان داد.

در حقوق آمریکا این نوع مسئولیت و تقسیم بندی به صورت تساوی مورد پذیرش قرار نگرفته است، بلکه معیار تقسیم مسئولیت عاملان زیان را براساس میزان تاثیر و مداخله هریک از آنان پذیرفته اند (Dgreen, ۲۰۱۲: ۳۰۱). به عبارت دیگر لازمه تحول در رویکرد و هدف مسئولیت مدنی از عدالت اصلاحی به عدالت ترمیمی یا جبرانی، تغییر در معیار توزیع مسئولیت عوامل متعدد است؛ زیرا، لازمه عدالت جبرانی آن است که هر عاملی به اندازه زبانی که وارد کرده مسئول جبران خسارت است و بر



آسیب قرار دهند، براساس نظریه تقسیم مسئولیت به میزان تاثیر در حقوق آمریکا، تاثیر هریک از آنان را در ایجاد حادثه مورد بررسی قرار می دهیم. بدین شکل که کدام یک از آنان آسیب را مستقیماً به ماموران آتش نشان وارد کرده است، کدام یک از آنان در ساخت و تهیه آن شی خطرناک مشارکت و دخالت داشته است و کدام یک از آنان این مواد خطرناک را میان گروه ها و افراد توزیع نموده است. بنابراین اگر معیار و مبنای تقسیم را به این صورت قرار داده و به آن عمل کنیم، هر فرد بر اساس میزان تقصیری که در ایجاد حادثه نقش داشته است مسئول خسارت وارده خواهد بود.

البته لازم به ذکر است در حقوق ایران برخی از فقهای معاصر معیار تقسیم مسئولیت به میزان تاثیر را پذیرفته اند و برخی از آنان معتقدند هرکدام از اسباب به مقدار تاثیری که در پدید آمدن حادثه نقش داشتند ضامن هستند (مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، ۱۳۸۵: ۲۸۰). و اگر نتوان میزان مسئولیت هریک از آنان را مشخص نمود، به کارشناس مطمئن ارجاع داده شود و اگر کارشناس هم نتوانست مسئولیت هریک از آنان را مشخص سازد حکم به مسئولیت مساوی آنان دهد.

بنابراین به عنوان جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث و نظریاتی که در فرض اجمال بودن به اسباب متعدد در حقوق ایران و آمریکا بیان شد، می توان اینگونه اظهار کرد که؛ برای ایجاد مسئولیت مدنی همواره وجود سه رکن لازم است. در صورت تجمع این سه رکن، می توان ضمان ناشی از آن را بر شخصی که عامل پدیدآورنده زیان است بار کرد. این امر نتیجه طبیعی بودن سبب برای یک حادثه ضرر آفرین است. اما همواره این سه رکن به سادگی گرد هم جمع نمی شوند؛ گاهی یکی از این حلقه های سه گانه با اجمال روبرو می شود، مانند آنکه عده ای ناشناس که صورت های خود را پوشانده اند، خودرو آتش نشان و ماموران داخل در خودرو را با

آن ها بیش از خسارت کامل خواهد بود، در حالی که عاملان هیچ تعهدی به پرداخت خسارت بیش از خسارت کامل ندارند (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۲، یزدانیان، ۱۳۸۶: ۴۱۴). اما این استدلال وارد نیست، چون که نسبت تاثیر ضرر هر عامل به نسبت کل خسارت سنجیده می شود. بنابراین در این خصوص حقی زائل نشده و میزان تاثیر عوامل مسئول بیش از خسارت کامل نخواهد بود. علاوه بر آن، برخی با استناد به غیرقابل تجزیه بودن خسارت معتقدند که تمام مسئولان مجتمعا آن ضرر را ایجاد کرده و به وجود آورده اند و هیچ یک در آن استقلال ندارند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۸۷).

در پاسخ باید گفت این ایراد منطقی نیست، زیرا اولاً تمام سیستم های حقوقی توزیع خسارت بین عوامل متعدد را پذیرفته اند و فقط بعضی از سیستم ها، خسارت را در قبال زیان دیده غیرقابل تجزیه دانسته است، ثانياً در سیستم حقوقی ایران که از ماده ۵۳۳ قانون م.ا. اسلامی نمایان می شود، به موجب توزیع مسئولیت خسارت زیان دیده تجزیه می شود. بنابراین عقل و منطق نیز حکم می کند که هر شخصی باید به اندازه تاثیری که در ایجاد خسارت دخالت و نقش داشته است مسئول جبران خسارت وارده باشد. همچنین، اشکال به اینکه این معیار نحوه تعیین مقدار تاثیر را معلوم نمی کند و کار قضات برای تشخیص نقش سببی و میزان تاثیر هریک از مسئولان دشوار می کند (شرافت پیم، ۱۳۹۲: ۷۱) وارد نیست؛ چون، وفق ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات حاکم اگر از طریق کارشناس و سایر ابزارهای علمی ثابت شد که تاثیر متفاوت است، به آن عمل می شود.

بنابراین همانگونه که پیش تر بیان کردیم، تعدادی از ماموران آتش نشان و خودرو مزبور مورد آسیب عده ای قرار گیرد، اگر چند نفر از اشخاص با مواد احتراق زا (کوکتل موتولوف) ماموران آتش نشان را مورد حمله و



آن فردی که از بقیه افراد کمتر مقصر بوده با فردی که بیشتر از بقیه در آسیب وارده به ماموران آتش نشان دخالت داشته یکسان پنداشته شود. با این حال بنظر می رسد برخی از فقهای معاصر نظریه مسئولیت به میزان تاثیر را پذیرفته و بیان نمودند اگر دادگاه نتواند میزان تاثیر عاملان زیان را مشخص نماید مسئولیت آنان به صورت مساوی خواهد بود.

شی خطرناک یا پرتاب سنگ، مورد هدف و حمله قرار دهند. در اینجا ورود ضرر و فعل زیان بار محرز است، اما به دلیل نامعلوم بودن افراد و تردید نسبت به آنان، خط اتصال رابطه میان ضرر و فعل زیان بار بعضا کمرنگ شده و گم می شود، و در نتیجه اثبات رابطه سببیت برای ماموران آتش نشان با مشکل روبرو خواهند شد. بنابراین به شرحی که گذشت، در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه جبران خسارت در فرض علم اجمالی به سبب توسط اطراف علم اجمالی، ضروری و غیرقابل تردید است. اما باید توجه داشت که در این فرض، ارکان مسئولیت مدنی به این شرح است، اول- احراز تقصیر همه خواندگان، دوم- مسلم بودن ورود ضرر به خواهان و سوم- وجود علم اجمالی به مسئولیت یکی از خواندگان.

عنایت به ارکان مذکور در رویه قضایی، موجب تغییرات مهمی در حقوق مسئولیت مدنی به خصوص در رویارویی با حوزه های جدید مسئولیت مدنی مانند مسئولیت عاملان حادثه در قبال ماموران آتش نشان و دیگر ماموران امدادرس می گردد. چه که راه را برای احقاق حقوق زیان دیده و جلوگیری از فرار مقصران از جبران خسارت هموارتر می سازد.

در خصوص توزیع مسئولیت میان اطراف علم اجمالی، حقوق آمریکا مسئولیت به میزان تاثیر عاملین حادثه را مورد قبول و تقسیم قرار داده اما در حقوق ایران، مبنای قانونی مسئولیت افراد متعدد را به نحو تساوی بیان کرده است. لیکن عدلانه تر آن است که تقسیم مسئولیت را به میزان تاثیر و مداخله هر یک از عاملان حادثه در قبال ماموران آتش نشان ملاک و معیار دهیم. این اقدام سبب می گردد تا عاملان زبانی که با رفتار تقصیر آمیز خود موجب آسیب به مامور آتش نشان شده بر حسب میزان دخالت و تاثیری که در زیان وارده نقش داشته محکوم به جبران خسارت گردند. اما تقسیم مسئولیت به نحو تساوی بدین شکل نیست چرا که تمام عاملان حادثه به صورت یکسان و مساوی محکوم به جبران خسارت می شوند و



نشان مشارکت داشته است، ملزم به جبران خسارت باشند. نکته آخر نحوه توزیع و تقسیم خسارت میان عاملین حادثه است. در حقوق آمریکا نظریه تقسیم به میزان تاثیر را معیار قرار دادند، لیکن در حقوق ایران نظریه تقسیم به صورت تساوی مورد پذیرش قرار گرفته است. نظریه به میزان تاثیر موجب می گردد که بتوانیم مسئولیت هریک از عاملان حادثه را براساس تاثیر و تقصیری که در ایجاد حادثه دخالت داشتند و اقدام آنان منجر به آسیب ماموران آتش نشان شده است مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم تا در نهایت هر کدام از آنان به میزان تقصیر و تاثیر خود ملزم به جبران خسارت در قبال ماموران آتش نشان باشند. اما تقسیم مسئولیت به صورت تساوی بدین شکل نیست، زیرا این تقسیم باعث می گردد آن فردی که بیشتر یا کمتر از بقیه در آسیب وارده به ماموران آتش نشان دخالت داشته با دیگران یکسان انگاشته شود که این خلاف شخصی بودن مسئولیت ها و انصاف خواهد بود. بنابراین ما نیز همچون حقوق آمریکا می بایست میزان تاثیر هریک از عاملان حادثه را مورد بررسی قرار دهیم و چنانچه اگر نتوان مسئولیت هریک از آنان را مشخص نمود، مسئولیت تمام خواندگان را به صورت مساوی تقسیم نماییم.

۱. در کامن لا مسئولیت مدنی (tort) بر سه عامل استوار می دانند که عبارت است از، مسئولیت مطلق (strict liability) جرم های عمدی (Intentional Tort) و تقصیر (Negligence)

نتیجه گیری

مسئولیت مدنی عاملین حادثه در قبال آسیب های وارده بر ماموران آتش نشان دارای ارکانی است. این ارکان در حقوق ایران، ورود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت است که در صورت عدم تحقق هریک از رکن های مذکور، باعث فقدان مسئولیت عاملین حادثه در برابر ماموران آتش نشان خواهد شد. در حقوق آمریکا نیز شرط پیش بینی بودن ضرر و احراز تقصیر دو رکن مهم جهت تبیین خسارات بالتسبیب است که می تواند در این امر موثر واقع گردد. بدین صورت که فردی رفتار انسان معقول و متعارفی را که در آن موقعیت است رعایت نکند و باعث آسیب و خسارت به دیگران و ماموران آتش نشان گردد. زیرا این امر برای هر انسان معقول قابل پیش بینی است که با انجام فعل یا ترک فعل آن، موجب آسیب دیگران خواهد شد. یکی از این رفتارهای تقصیر آمیز عدم رعایت مقررات ایمنی است که مالک با سهل انگاری خود باعث آسیب به ماموران آتش نشان شده است. نکته دیگر در خصوص سبب مجمل است، بدین شکل که علم اجمالی نسبت به عاملین حادثه ای که اقدام او منجر به آسیب ماموران آتش نشان شده است، وی و بقیه افراد را از مسئولیت معاف نخواهد کرد و این خسارت می بایست به نحوی جبران پذیرد. در حقوق ایران به قاعده لاضرر و در حقوق آمریکا عدالت ترمیمی را لحاظ قرار داده اند که فرد خاطی در حکم مسبب قلمداد شده و او و دیگرانی که در آسیب وارده بر ماموران آتش



منابع

ماموران آتش نشان با مطالعه تطبیقی حقوق آمریکا، دوره ۱۲، ش ۱، صص ۱۶۹-۱۸۹.

۱۴. قوچانی افشار، زهره، حسینی، سید محمد باقر، ۱۳۹۳، مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی سبب مجمل، پژوهش های حقوقی تطبیقی، دوره ۱۸، ش ۱، صص ۱-۲۲.

۱۵. کاتوزیان، ۱۳۹۷، مسئولیت مدنی (الزام های خارج از قرارداد)، مسئولیت های خاص و مختلط، ج ۲، ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، ج ۱، چ ۱۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. محمدبن جمال الدین مکی عاملی، عبدالله شمس الدین، اللعه دمشقیه، چ ۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مرکز احیاء میراث اسلامی.

۱۸. مشکینی، علی، ۱۳۷۱، اصطلاحات اصول، ج ۱، چ ۵، قم: نشر الهادی.

۱۹. موسوی خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله، قم: انتشارات قدس محمدی، جزئانی.

۲۰. مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری (۱۳۸۵)، ج ۸، چ ۱، تهران: نشریه قضا.

۲۱. مددی، صادق (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا، چ ۱، تهران: نشر میزان.

۲۲. یزدانیان، علیرضا، ۱۳۸۶، حقوق مدنی (قواعد عمومی مسئولیت مدنی)، ج ۱، تهران: نشریه میزان.

(ب) انگلیسی

۱. Berry, kiel, (Espinoza v. Schulen burg: Arizona Adopts the Rescue Doctrine and Fire fighter's Rule), Arizona law Review, vol. ۴۹, ۲۰۰۷.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، بی تا، کفاید الاصول، ج ۱، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام آل احیاء التراث

۲. باریکلو، علیرضا، ۱۳۹۴، مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.

۳. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه مبانی و ساختار، چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۲، ترمولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۳، حقوق اموال، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.

۶. دالوند، فضل الله، ۱۳۸۶، تقسیم مسئولیت مدنی با رویکرد تطبیقی، چ ۱، نشر دادیار.

۷. ره پیک، حسن، ۱۳۸۸، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، چ ۴، تهران: نشر خرسندی.

۸. شریعت اصفهانی، فتح الله بن محمد، ۱۴۰۷، چ ۱، قاعده لاضرر ولاضرار، بیروت، دارالاضواء.

۹. شرافت پیما، محمدرضا، ۱۳۹۲، تقسیم خسارت میان مسئولان متعدد در مسئولیت قهری، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، ش ۱، دوره ۱۷.

۱۰. صفایی، حسین، ۱۳۵۱، چ ۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تعهدات و قراردادهای، تهران: موسسه عالی حسابداری.

۱۱. صفایی، حسین رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت.

۱۲. صفایی، حسین، ۱۳۸۸، مسئولیت مدنی در فرض علم اجمالی به سبب ضرر (مطالعه تطبیقی)، قم: پژوهش حقوقی، شماره ۲.

۱۳. صادقیان، مهدیه، طبیبی جبلی، مرتضی، یزدانیان، علیرضا، مهدی الشریف، محمد؛ ۱۳۹۹، مسئولیت مدنی متصرفان ساختمان در قبال آسیب های وارده بر



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاهی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

DRJI
Directory of Research Journals Indexing

ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



porat and stein, Tort liability under uncertainty, oxford .۱
university press, December ۲۰۰۱
Rowland v. Christian, ۶۹ cal. ۲d ۱۰۸, ۴۴۳ p.۲d ۵۶۱, ۷۰ cal .۱۱
Petr. ۹۷ (۱۹۶۸)
In the supreme court of the state of kansas. (۲۰۱۷) .۱۲
No.۱۱۱, ۹۸۷, Juana, Apodaca v. Mark will more, Matthew
will more and Oak River In surance company, syllabus by
the court
K.Dewolf, David (۲۰۰۹). the Tort of Law Cases and .۱۳
Materials, Michigan
Lupus publication, Ltd, Lansing
Michael, Faure (۲۰۱۶). "Attribution of liability: an .۱۴
economic analysis of
various cases", Chicago-Kent law review, vol.۹۱, No.۲
pp.۶۰۳-۶۳۵

D.Green, Michael & Marteau, Olivier (۲۰۱۲). "Restating ۳
tort law: the American and European styles", JETL, vol. ۳
No.۳, pp. ۲۸۱-۳۰۷
& Varone, J.curtis, Legal consideration for Five .۴
Emergency services, us, Delmar, cengage Learning , ۲۰۰۷
Turpel case, Sayles, ۶۹۲ p.۲d ۱۲۹۰, ۱۲۹۱ (Nev. ۱۹۸۵) .۴
Flowers V. Rock creek Terrace, ۳۰۸ Md. ۴۳۲, ۵۲۰ A.۲d ۳۶۱.۵
(۱۹۷۸)
Garner, Brayan A. Black's law Dictionary. US, West ۶
publishing co, ۱۹۹۰
Coleman (Jules), Risks and wrongs, cambride university ۷
press, ۱۹۹۲
Palumbo, julianne. (۱۹۸۷), Equal protection and the ۸
Fireman's Rule in Ohio, case western Reserve law Review
vol. ۳۸, Iss. 1, pp.۱۲۳-۱۴۴
Peterson v. Balach ۲۹۴ Minn. ۱۶۱, ۱۹۹ N.W. ۲d ۶۳۹ (۱۹۷۲) .۹